



اقوامی که در قیامت بدون حساب وارد بهشت می شوند

حجت الاسلام انصاریان با بیان اینکه حساب رسی اهل ایمان در قیامت، حساب یسیر است، گفت: عده ای از اهل ایمان اصلاً حساب ندارند و بغیر حساب وارد بهشت می شوند.

حجت الاسلام انصاریان با بیان اینکه حساب رسی اهل ایمان در قیامت، حساب یسیر است، گفت: عده ای از اهل ایمان اصلاً حساب ندارند و بغیر حساب وارد بهشت می شوند.

به گزارش خبرگزاری مهر، شیخ حسین انصاریان؛ در سخنرانی خود در حسینیه همدانی های مشهد گفت: ما می توانیم یک موجودی شویم که بدنمان بعد از مردن خاک شود، ولی شخصیت، آثار، اخلاق و رفتارمان خاک نشود و مرتب از افق های مختلف طلوع کند؛ آنچه موجب رشد، کمال، نور، اخلاق و ماندگاری انسان در این دنیا می شود، این است که انسان خدا را به درستی، به راستی و با اخلاص بندگی و عبادت کند. اگر اخلاق بندگی نباشد حتی کل پیکره نماز به صورت واجب شرعی تخریب و باطل می شود.

محقق، مفسر، مترجم و پژوهشگر علوم و معارف قرآنی در بیان استقبال بهشت از اهل ایمان به کلامی از قرآن مجید اشاره و اظهار کرد: قرآن میفرماید: «وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ» (سوره ق، آیه ۳۱)، بهشت را در قیامت پیش شما می آورم، نمی خواهد زحمت بکشید و رنج ببرید که خودتان را در آن صحرای عظیم به بهشت برسانید. خدا بهشت را به شما می رساند و انسان کیفیت آن را در قیامت درک می کند؛ به همین خاطر نمو، رشد و میوه دهی دنیایش به حساب خیلی آسانی برخورد می کند یا اصلاً به حسابی برخورد نمی کند.

دو نوع حسابرسی از اهل ایمان

وی به حسابرسی اهل ایمان در قرآن اشاره و خاطرنشان کرد: اولین حساب برای اهل ایمان حساب یسیر است، حساب یسیر؛ یعنی پرونده رسی بسیار آسان. پرونده انسان را از ابتدای تکلیف تا روز مرگش به آسان ترین صورت رسیدگی می کنند. این رسیدگی چقدر طول می کشد؟ پیغمبر(ص) می فرمایند: کمتر از زمان نماز عصرتان خواهد بود و بیشتر طول نمی کشد چرا که علم پروردگار چیره به پرونده ماست.

استاد اخلاق حوزه علمیه ادامه داد: خداوند نمی خواهد پرونده ما را که خود ما هستیم، ورق بزند، این صفحه را ببیند و تمام کند، سپس صفحه بعد را ببیند. اینها کار ماست و علم پروردگار علم محیط است: «وَكَانَ اللَّهُ يَكُلُّ شَيْءٍ مُحِيطًا» (سوره نساء، آیه ۱۲۶)، یعنی شما این عالم را با کل موجوداتش در نظر بگیرید، نزد پروردگار حاضر است: «وَإِنْ كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ» (سوره یس، آیه ۳۲). مگر خدا صبح به صبح و شب به شب، موجودات زنده را می شمارد؟ مگر می نشیند و دریاها، صحراها، جنگل ها و پرندگان هوا را حساب می کند که هر کدام چقدر غذا می خواهند و چه می خواهند؟ میلیون ها سال است موجودات زنده هر صبح و ظهر و شب بر سر این سفره اند و هیچ چیز هم از آنها کم گذاشته نمی شود، شماره هم نمی کند و معطل این هم نمی شود که موجود چه می خواهد؛ بلکه کار درجا و فعلی است و به عبارت خیلی لطیف، کار در پیشگاه مقدس او برای خود او اصلاً زمان ندارد.

اقدام خداوند در گرو زمان نیست

انصاریان با بیان اینکه اگر بگوییم خداوند متعال در گرو زمان یا معطل زمان است یا اینکه معطل شمارش است، حرف باطلی است؛ گفت: ظاهر و باطن جهان یک جا در محضر مقدس اوست و یک جا هم جهان را کارگردانی می کند و می چرخاند، یک جا به همه موجودات عالم رسیدگی می کند. حساب یسیر؛ یعنی یک جا رسیدن به پرونده، چون اول پرونده تا آخر پرونده در علم او حاضر است و حکم می کند، اما آنهایی که پرونده شان معطلی دارد، معطلی برای خودشان است؛ یعنی آنها خودشان را در دنیا نسبت به هر کار مثبتی معطل گذاشتند و نرفتند و به عبارت ساده تر، خودشان را تعطیل کردند؛ لذا رسیدگی به پرونده شان هم تعطیل است و به پرونده طول زمان می خورد تا از تعطیلی دربیاید و آنها را در جهنم بیندازند؛ ولی حساب اهل ایمان، حساب یسیر است.

اقوامی که در قیامت بدون حساب وارد بهشت می شوند

وی به دومین حسابرسی اهل ایمان در قرآن اشاره و تصریح کرد: دومین حسابرسی برای اهل ایمان و یقین حساب و عده ای از اهل ایمان اصلاً حساب ندارند و اگر در قرآن مجید دقت کرده باشید، می فرماید: «وَلَا يَحْسَبُ الْيَقِينُ» (سوره زمر، آیه ۱۰). اقوامی در قیامت بدون حساب وارد بهشت می شوند، یعنی اصلاً پرونده ای پیش پروردگار ندارند چون در قیامت همه می فهمند که آنها عین نور هستند و عین نور یک حقیقت اند؛ یعنی عمل، اخلاق، رفتار، کردار و گفتار آنها نور است و همواره یک حقیقت از آنها ظهور دارد.

شیخ حسین انصاریان افزود: ما حقایق متعدده ایم؛ در قیامت یک بدن، روح، اخلاق، عمل، زبان و شنوایی داریم که در دنیا داشته ایم، یک غفلت داریم، یک توجه داریم. حال وقتی مؤمن باشیم، خداوند متعال خیلی حسابمان را آسان می گیرد و ما را به اندازه یک نماز عصر معطل می کند؛ اما وجود آنها قطعه قطعه نیست که همه قطعه ها را خدا نظر کند و بعد هم بگوید که شما بخشیده شده هستید و این هم بهشت در مقابلتان یا بهشتی که به استقبال شما آمده است. اینها نور محض اند و حساب ندارند؛ یعنی وجودشان، هم خودشان، هم قیامت و هم دل مردم را روشن می کند؛ آنها «وَلَا يَخْرُجُونَ مِنْ أَقْوَامٍ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يَغْيَرُ حَسَابٌ» هستند.

آثار وجودی عده و از مرگ همچنان ادامه دارد

مبلغ عرصه بین الملل گفت: خداوند در سوره ابراهیم میفرماید: «لَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَّبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ * تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ» (سوره ابراهیم، آیات ۲۴-۲۵)، بعضی ها می میرند، اما آثار وجودشان ادامه دارد. ابراهیم مُرد، اما آثار وجودش تاکنون ادامه دارد؛ هم ذریه اش که انبیای بعد از خودش بودند و هم فرهنگش و هم کل مناسک حج، همه آثار وجود یک نفر است. اکنون هم بالاترین اثر وجودی را همین لحظه در کره زمین دارد که وجود مبارک حضرت امام عصر(ع) است؛ ایشان ذریه ابراهیم است و وقتی ظهور کند، با شش هزار روایتی که سنی و شیعه درباره ایشان دارند، یک روایت که با سندهای مختلف ذکر شده، این است: «يَمْلَأُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قِسْطَ وَ عَدْلًا» تمام زمین را در امور معنوی و مادی پر از قسط و عدل می کند. کل امور مادی، عملی، اخلاقی و معنوی مردم میزان می شود.

محقق، مفسر، مترجم و پژوهشگر علوم و معارف قرآنی به روشنایی بخشی از آثار انسان پس از مرگ اشاره و خاطرنشان کرد: ما می توانیم یک موجودی شویم که بدنمان بعد از مردن خاک شود، ولی شخصیت، آثار، اخلاق و رفتارمان خاک نشود و مرتب از افق های مختلف طلوع کند. شما اگر ثروتمند شدی، در یک محله فقیرنشین که از تشنگی مسجد می میرند، یک مسجد بساز. تو خودت خاک می شوی و این مسجد سرپا می ماند؛ حال چقدر نماز در این مسجد می خوانند، به پرونده تو منتقل می شود؛ چقدر در آن مسجد منبر می روند و گمراه هدایت می شود، به پرونده تو منتقل می شود. ما می توانیم ماندگار شویم، یعنی خداوند متعال همه درهای ماندگار شدن را به روی ما باز گذاشته است.

چه عامل موجب رشد، کمال، نور، اخلاق و ماندگاری انسان می شود؟

وی ادامه داد: آنچه موجب رشد، کمال، نور، اخلاق و ماندگاری انسان می شود، این است که انسان خدا را به درستی، به راستی و با اخلاص بندگی و عبادت کند. اگر اخلاق بندگی نباشد، کل پیکره نماز به صورت واجب شرعی تخریب و باطل می شود. ما به صورت واجب شرعی در تشهد می گوئیم: «وَسَلِّمْ عَلَى رُسُلِهِ»؛ اول بندگی و بعد نبوت؛ یعنی اگر آن بندگی واقعی نبود، محال بود که خورشید نبوت از افق وجود پیغمبر(ص) طلوع کند.

استاد انصاریان در مورد خلوص در بندگی به حکایتی از آقا شیخ عباسی قمی(ره) اشاره و اظهار کرد: مرحوم آقا شیخ عباس قمی(ره)، صاحب «مفاتیح الجنان» بیست سال مشهود بود و خیلی از او تقاضا کردند که در همین مسجد گوهرشاد نماز جماعت بخواند. شبستان پر هم می شد و دیگر قبل از نماز جا نبود. یک شب رو به قبله بلند شد، استغفرالله ربی و اتوب الیه گفت، دست هایش را برای تکبیر بالا برد، اما نگفت و دست هایش را پایین انداخت، کفش هایش را زیر بغلش گذاشت و از در بیرون رفت و نیامد. خیال کردند که برای تجدید وضو رفت، اما وقتی نیامد، به سراغش رفتند و گفتند آقا چرا نماز دوم را نخواندی؟ گفت: می خواستم بخوانم، اما وقتی بلند شدم که تکبیرة الاحرام بگویم، صدای همه همدم مردم پشت سرم دلم را قلقلک داد که چقدر جمعیت می خواند؛ خواهد به تو اقتدا کند! آن نماز در مردم و در شیطان و در هوای نفس بود، نماز در خدا و در بندگی نبود. آن خوردن در بندگی نبود، آن پوشیدن در بندگی نبود. «وَسَلِّمْ عَلَى رُسُلِهِ» یعنی اول همه چیز بندگی شود، بعد من مقام نبوت را به تو می دهم. نبوت، رسالت، پیغمبر و امام شدن طلوع بندگی است. مسئله عبودیت به گسترده آفرینش باز است.